

جمع و تدوین قرآن

به اهتمام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

محسن رجبی

بنیاد پژوهشهای اسلامی - گروه دایرةالمعارف

چکیده

با توجه به مضامین و ساختار سوره‌های قرآن و شواهد روایی و تاریخی می‌توان آن‌ها را به سه دسته تقسیم نمود:

۱. سوره‌های یکپارچه، که در یک مرتبه نازل شدند؛ ۲. سوره‌هایی که واحدهای موضوعی آن‌ها در پی هم نازل شدند؛ ۳. سوره‌های تألیفی که واحدهای موضوعی آن‌ها در پی هم نازل نشدند، بلکه میان آن‌ها آیاتی از سوره‌های دیگر نیز نازل می‌شد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، تنزیل تدریجی آیات و سوره‌های قرآن را تحت تعلیم و نظارت وحی الهی به نزول دفعی و یکباره قرآن در شب قدر ارجاع داده، بر اساس آن جایگاه آیات و سوره‌ها را در یک مجموعه کامل و منظم شفاهی به نام «قرآن» و متن نوشتاری آن را به نام «مُصْحَف» تعیین و تدوین نمودند.

مقدمه

از آن جا که در مجموعه علوم قرآنی، دانش‌های مهمی مانند «نزول قرآن»، «اسباب نزول»، «آیات و سور مکی و مدنی»، «ناسخ و منسوخ» و «جمع و ترتیب قرآن» به دور از خود قرآن، به عنوان اصلی‌ترین منبع علوم قرآنی شده‌اند و بدین سبب از تعلیم و مبانی قرآن‌شناسی مکتب نبوی و ائمه هدی علیهم‌السلام و صحابه بزرگ دور شده‌اند، این پندار بر برخی از اذهان نشسته است که آیات و سوره‌های قرآن از هم گسیخته و ناهماهنگ‌اند و هیچ ارتباط، و نظم و ترتیبی

میان آن‌ها دیده نشده و نحوه شکل‌گیری قرآن و چگونگی تدوین و ترتیب آن در زمان حیات رسول خدا ﷺ آشفته و نابسامان به نظر رسیده است.

کیفیت تنزیل تدریجی سوره‌ها

در مرحله تنزیل تدریجی که ۲۰ یا ۲۳ سال به طول انجامید، قرآن به تدریج، در قالب یک سوره کامل، یا یک واحد موضوعی (رکوع)^۱، یا یک آیه و بیشتر نازل می‌شده است. پیامبر اکرم ﷺ با نظارت و تعلیم وحی الهی، این تنزیل تدریجی را به ساختار کامل و منظم قرآن در نزول دفعی ارجاع می‌دهند و مطابق آن، جایگاه آیات و سوره‌ها را در یک مجموعه منظم و مدوّن شفاهی به نام «قرآن»، و متن مکتوب آن را به نام «مصحف» تعیین و تدوین نمودند^۲ و با برنامه‌ریزی و راه‌اندازی یک نظام تعلیم و تعلم عمومی و فراگیر، و ایجاد یک محیط آموزشی پویا و زایا در جهت فراگیری کامل قرآن از سوی قرآن‌آموزان و تثبیت آموخته‌های آنان، قرائت و کتابت قرآن را در قالب یک مجموعه کامل و منسجم بنیان‌گذاری کردند.

با توجه به مضامین و ساختار سوره‌های قرآن می‌توان آن‌ها را در چگونگی نزول و

کیفیت تدوین به سه گروه عمده تقسیم کرد:
الف - سوره‌های یکپارچه: این سوره‌ها که یکجا و یکباره نازل شدند، عبارت‌اند از: فاتحه، ناس، فلق، اخلاص، مسد، نصر، کافرون، کوثر، ماعون، قریش، فیل، همزه، عصر، تکاثر، قارعه، عادیات، زلزال، بیّنه، قدر، علق، تین، انشراح، ضحی، لیل، شمس، بلد، فجر، غاشیه، اعلی، طارق، بروج، انشقاق، مطففین، انفطار، تکویر، عبس (سوره).

در این سوره‌ها یکپارچگی موضوع کاملاً آشکار است و هر یک از این سوره‌ها در یک مرتبه نزول وحی، نازل و ابلاغ شده و به عنوان یک سوره مستقل شناخته شده‌اند؛ در این میان، بر پایه برخی از روایات ضعیف و مجعول ولی مشهور، سوره «علق» استثنا شده است؛ یعنی این سوره در یک مرتبه نزول وحی، نازل نشده است، بلکه پنج آیه اول این سوره، اولین آیات نازل شده بر

۱- برای مطالعه منابع و جدول تقسیم قرآن به ۵۵۵ واحد موضوعی بنگرید به: مرادی زنجانی و لسانی فشارکی، روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم، ص ۵۶-۶۴.

۲- بنگرید به: مقدمتان، ص ۳۹-۵۸؛ سیوطی، الاتقان، ج ۱، ص ۱۸۹-۱۹۹؛ نهایندی، حسینی شیرازی، الفقه حول القرآن الحکیم، ص ۴۵ و ۵۱.

رسول خدا ﷺ در غار حراء پنداشته شده است.^۱

اما، اولاً: با توجه به آموزه‌های روشن‌گر قرآن درباره چگونگی نزول دفعی و یکپارچه قرآن^۲ و حالات پیامبر اکرم ﷺ هنگام دریافت عالمانه آن^۳، و زمان^۴ و مکان آن نزول^۵؛ و ثانیاً: ضعف سند و نقدهای فراوانی که بر متن این روایات وارد است^۶، نمی‌توان پنج آیه اول این سوره را آیات آغازین نزول و این سوره را چند پاره دانست؛ چرا که سیاق آیات سوره بر نزول یکپارچه و کامل آن در غیر مکان یاد شده دلالت دارد.^۷

ب- سوره‌هایی که واحدهای موضوعی آنها در پی هم نازل می‌شد، بدون آن که آیاتی از سوره‌های دیگر در بین‌شان نازل شود؛ یعنی تا نزول هر یک از این سوره‌ها پایان نمی‌پذیرفته، سوره بعدی نازل نمی‌شده است؛ که عبارت‌اند از: نازعات، نبأ، مرسلات، انسان، قیامت، جن، نوح، معارج، حاقه، قلم، ملک، واقعه، رحمان، قمر، طور، ذاریات، قاف، تحریم، نساء قُصْرِي (طلاق)، تغابن، منافقون، صف، ممتحنه، حشر، حدید، حجرات، فتح، محمد (قیتال)، احقاف، جائیه، دخان، زخرف، شوری، فصلت، مؤمن، زمر، ص، صافات، یس، فاطر، سبأ، سجده، لقمان، روم، عنکبوت،

قَصص، نمل، شعرا، فرقان، مؤمنون، حج، انبیاء، طه، مریم، کهف، نحل، حجر، ابراهیم، رعد، یوسف، هود و یونس (۶۲ سوره).

شاید بتوان روایاتی را که بیانگر این مطلب‌اند که صحابه با نزول ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ نسبت به بسته شدن و ختم هر سوره

۱- بنگرید به: بخاری، صحیح، ج ۱، ص ۱۳-۶۸، باب کیف کان بدء الوحی.

۲- بنگرید به: سوره‌های نجم، ۱-۱۸؛ تغابن، ۸؛ شوری، ۱-۷ و ۵۲؛ اعراف، ۱۵۷؛ مانده ۱۵؛ نساء، ۱۷۴.

۳- بنگرید به: سوره نجم، ۱-۱۸.

۴- بنگرید به: سوره‌های قدر؛ دخان، ۱-۴؛ انفال، ۴۱؛ بقره، ۱۸۵.

۵- بنگرید به: سوره‌های اسراء، ۱؛ طور، ۱-۴؛ تین، ۱-۳؛ لسانی فشارکی، «علم محکم و متشابیه»، ص ۲۸-۳۸.

۶- بنگرید به: طباطبایی، المیزان، ج ۲۰، ص ۳۷۶؛ معرفت، التمهید، ج ۱، ص ۷۸-۸۵؛ مهدوی راد، «سیر نگارش‌های علوم قرآنی ۱۱»، ص ۵۱-۵۳؛ نقی پورفر، «بازنگری در مسائل شب بعثت»، ص ۷۱-۹۳؛ سلطانی، «بررسی احادیث آغاز وحی»، ص ۲-۳۷؛ عسکری، نقش ائمه در احیای دین، ج ۱، ص ۳۰۵-۳۶۲؛ قاسمی، اسرائیلیات و تأثیر آن...، ص ۴۱۷-۴۳۷.

۷- طباطبایی، المیزان، ذیل سوره علق؛ نکونام، درآمدی بر تاریخ‌گذاری قرآن، ص ۲۶۹-۲۹۰؛ فضل‌الله، من وحی القرآن، ج ۱، ص ۲۸ و ج ۲، ص ۳۳۰-۳۳۳.

آگاه می‌گشتند^۱ ناظر بر این دسته از سوره‌ها دانست.

دَرُوزَه معتقد است: «آیات این سوره‌ها از نظر سیاق و هماهنگی فصولِ مختلفِ آن‌ها کاملاً به هم پیوسته و بیشتر این سوره‌ها از نظر موضوع یکپارچه‌اند... بنابراین، وقتی مطالب سوره‌ها متشابه است و از نظر اسلوب نیز یکسان‌اند، چه لزومی می‌تواند داشته باشد که قبل از تمام شدن یک سوره، آیاتی از سورهٔ دیگر نازل شود؟!»^۲

از این رو نمی‌توانیم پاره‌ای از روایاتِ اسباب نزول را که بر پایه آن‌ها وضعیت نزول و تدوین بعضی از سوره‌ها آشفتگی و ناهماهنگی به نظر رسیده است بپذیریم؛ زیرا، اولاً: سیاق آیات سوره بهترین دلیل و گواه بر هماهنگی و یکپارچگی اجزای سوره است^۳؛

ثانیاً: هیچ یک از روایات اسباب نزول از زبان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله صادر نشده است و این روایات به فرض صحت، فقط در پرتو مطالعه تطبیقی قرآن و سیره، می‌توانند جایگاه خود را بیابند^۴؛

ثالثاً: صحابه و تابعان هیچ‌گاه مقید نبوده‌اند که تعبیر «نزلت فی کذا» را منحصرأ دربارۀ حادثه یا واقعه‌ای که در زمان نزول یک آیه یا مجموعه‌ای از آیات قرآنی روی

داده، و آن حادثه و واقعه سبب نزول آن آیه یا آیات بوده باشد، به کار ببرند. چنان‌که گاهی استشهاد و تمثیل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و صحابه ایشان را به آیاتی از قرآن مطرح می‌نمایند که بیانگر مصادیق و موارد تطبیق آیات قرآنی‌اند^۵؛ به عنوان مثال «سوره اعلی را همگان مکی دانسته‌اند. با وجود این برخی از مفسران به لحاظ دو آیه ۱۴ و ۱۵-که به زکات فطره و نماز عید فطر تفسیر شده‌اند- تنها صدر سوره را مکی، و ذیل آن را مدنی پنداشته‌اند... وجود چنین عباراتی در آیات و سوره‌های مکی لزوماً به معنای تشریح مضامین آن‌ها در مکه نیست و منافاتی با تشریح احکام مربوط به آن‌ها و نیز به اجرا در آمدن آن‌ها در مدینه ندارد»^۶.

- ۱- بنگرید به: سیوطی، الدر المنثور، ج ۶، ص ۲۸۹؛ عیاشی، تفسیر، ج ۱، ص ۱۹.
- ۲- دَرُوزَه، تاریخ قرآن، ص ۷۳-۷۵.
- ۳- همان، ص ۸۳.
- ۴- بنگرید به: لسانی فشارکی، «انعام»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۰، ص ۳۹۳.
- ۵- معرفت و لسانی فشارکی، «اسباب نزول» دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۸، ص ۱۲۶؛ و نیز بنگرید به: طباطبایی، قرآن در اسلام، ص ۱۱۷-۱۲۰.
- ۶- لسانی فشارکی، «اعلی»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۹، ص ۴۰۱.

ج - **سوره‌های تألیفی:** که قسمت‌های مختلف آن در پی هم نازل نشدند، بلکه میان فصول هر سوره، قسمتی از سوره‌های دیگر نیز نازل می‌شده است. سوره‌های نجم، مدثر و مزمل (هر سه مکی)، جمعه، مجادله، احزاب، نور، اسراء و سور طویل قرآن یعنی: توبه، انفال، اعراف، انعام، مائده، نساء، آل عمران و بقره که مدنی‌اند، در این گروه قرار دارند^۱. چنان که، آیه (واحد موضوعی) آخر سوره مزمل که سوره‌ای مکی است، در مدینه نازل شده است و سیاق آیات نیز آن را تأیید می‌کند^۲. آیه اول سوره اسراء نیز در مکه نازل شده است و به همین علت به عنوان یک سوره مکی شهرت یافته و اصطلاحاً زیر عنوان «مایشبه نزول المدنی فی المکی» قرار می‌گیرد، چه شیوه بیان و مضامین و مندرجات سوره بیشتر با حوادث و وقایع سالهای پایانی عهد رسالت همخوانی دارد^۳.

شیوه تدوین سوره‌ها

بر پایه روایات معتبر و گزارش‌های سیره و تاریخ و با استمداد از برآیند قراین، می‌توان نظام و روش تألیف و تدوین آیات و سوره‌های قرآن را به طور کلی این‌گونه طراحی و بیان نمود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

بلافاصله پس از نزول قسمتی از قرآن، یک یا چند نفر از کاتبان وحی را برای کتابت آن‌ها فرا می‌خواند: «دعا بعض من کان یکتب له»^۵؛ و آنان با هر وسیله مناسبی که آماده داشتند و در شأن قرآن بود^۶ مانند: صُحف (ورق‌های پهن)، قِراطس (نوعی کاغذ از جنس گیاهی به نام بردی یا پاپیروس)، رَق (پوست نازک و نرم)، حریر (پارچه)، اَدیم و رقاع (پوست دباغی شده یا چرم)^۷ به حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌رسیدند و آن حضرت آیات و سوره‌های نازل شده را حرف به حرف و کلمه به کلمه بر آنان املاء و تعلیم می‌کرد و بر

۱- بنگرید به: دروزه، تاریخ قرآن، ص ۷۹.

۲- همان، ص ۸۲.

۳- لسانی فشارکی، «اسراء»، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۸، ص ۲۸۳.

۴- سوره‌های اعراف و انعام را نیز، از دیرباز مکی پنداشته‌اند، برای نقد آن بنگرید به: لسانی فشارکی، «اعراف»، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۹، ص ۳۷۸ و «انعام»، ج ۱۰، ص ۳۹۳.

۵- مقدمتان، ص ۴۰.

۶- چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «اکرموا القرآن و لا تکتبوه علی حجر و لا مدّر و لکن اکتبوه فیما یمحی و لا تمحوه بالبزاق و امحوه بالماء». (متقی هندی، کتال العمّال، ج ۱، ص ۵۵۵، خ ۲۴۸۷؛ و نیز بنگرید به: کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۶۷۴.

۷- بنگرید به: قمی، تفسیر، ج ۲، ص ۴۵۱.

امر کتابت آنان نظارت و اشراف داشت. سپس آن‌ها را در دفاتر مخصوصی که برای تدوین سوره‌ها در نسخه کامل متن قرآن در نظر گرفته بودند، قرار می‌دادند: (ضعها فی موضع کذا و کذا من السورة؛ ضعها فی السورة التي يذكر فيها كذا و كذا^۱؛ اجعلوها فی سورة كذا و كذا^۲؛ ضعوا هذه الآيات فی السورة التي يذكر فيها كذا و كذا^۳؛ ضعوا هذه السورة فی الموضع الذي يذكر فيه كذا و كذا^۴). چنان که با نزول آیه ﴿وَأَتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ...﴾ - که بر پایه برخی روایات، آن را جزء آخرین آیات نازل شده قرآن می‌دانند - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دستور فرمود که این آیه را بعد از آیه ۲۸۰ سوره بقره قرار دهند.^۵

با تکمیل و بسته شدن سوره‌های تألیفی، دوباره آن را بر روی صحیفه‌ها و ورق‌های مناسبی که برای ترتیب و تدوین نهایی و جاویدان سوره‌ها در متن کامل قرآن، آماده کرده بودند، بازنویسی می‌کردند^۶ و این اوراق و صحیفه‌ها را به یکدیگر می‌دوختند.^۷ چنان که زیدبن ثابت می‌گوید: «كُنَّا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ نُوَلِّفُ الْقُرْآنَ مِنَ الرِّقَاعِ»^۸. «الف» به معانی انس دادن، وصل کردن، پیوند دادن و به هم دوختن دو یا چند چیز، در جهت جمع، تنظیم و ترتیب آن‌ها

آمده است^۹. «رقاع» جمع «رقعه» به معنای ورقه‌های پهن و گسترده‌ای است که سطحی صاف و نرم دارند و معمولاً از پوست یا پاپیروس ساخته می‌شده است^{۱۰}.

بدین سان، عمل تعیین و تنظیم آیات هر سوره و ترتیب و تدوین سوره‌ها در متن نسخه کامل قرآن، به تدریج و با تعلیم و نظارت مستقیم رسول خدا صلی الله علیه و آله و در حضور چندین نفر از کاتبان وحی و معلمان قرآن انجام می‌پذیرفته است؛ به طوری که قرآن

-
- ۱- مقدمتان، ص ۴۰.
 - ۲- ابن عمر ازدی، الجامع الصحیح (مسند)، خ ۱۵، ص ۱۱.
 - ۳- ابوداود، سنن، ج ۱، ص ۴۹۸، خ ۷۸۶؛ زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۳۳۴.
 - ۴- سخاوی، جمال القراء و کمال الإقراء، ج ۱، ص ۲۵۸ و ۲۵۹.
 - ۵- مقدمتان، ص ۴۱؛ سیوطی، الاتقان، ج ۱، ص ۱۹۵.
 - ۶- جبوری، اصل الخط العربی، ص ۱۴۴؛ معارف، درآمدی بر تاریخ قرآن، ص ۱۴۹ و ۱۶۳.
 - ۷- دروزه، تاریخ قرآن، ص ۲۸ و ۴۸.
 - ۸- ترمذی، سنن، ج ۵، ص ۳۹۰، خ ۴۰۴۸.
 - ۹- ابن منظور، لسان العرب، ج ۹، ص ۱۰؛ رضا، معجم متن اللغة، ج ۱، ص ۱۹۶.
 - ۱۰- حبیب، فرهنگ عبری - فارسی، ص ۵۲۷؛ مشکور، فرهنگ تطبیقی عربی، ج ۱، ص ۳۰۳-۳۰۴؛ نولدکه، «نقد و بررسی روایات جمع قرآن»، ص ۸۳.

دارای ابتدا و انتها بوده و هر سوره آن مستقل بوده و اسم مخصوصی داشته و جایگاه آن در متن مکتوب قرآن (مصحف) مشخص و معین بوده است؛ چنان‌که وقتی وفد ثقیف در رمضان سال نهم هجری وارد مدینه می‌شوند،^۱ با مجموعه تقریباً کامل متن مکتوب قرآن که حزب بندی شده و سوره‌های هر حزب نیز مشخص و معین بوده است رو به رو می‌شوند.

اوس بن حذیفه ثقفی می‌گوید: «به همراه وفد ثقیف در مدینه بر رسول خدا ﷺ وارد شدیم، آن حضرت از ورود ما شادمان شد، گروهی در منزل مغیره بن شعبه، و گروهی در خیمه‌ای نزدیک مسجد مستقر شدیم. رسول خدا ﷺ هر شب بعد از نماز عشاء به دیدن ما می‌آمد و ضمن گفت‌وگو، قرآن و فرائض را به ما تعلیم می‌داد.^۲ یک شب، آن حضرت کمی دیرتر از وقت همیشه به دیدن ما آمد، علت را جویا شدیم، فرمود: یک حزب از قرآن بر من خوانده می‌شد، دوست داشتم تا آن کامل نشده از مسجد خارج نشوم. صبح روز بعد از اصحاب آن حضرت در مورد حزب‌های قرآن سؤال کردیم. آنان گفتند: «ثلاث و خمس و سبع و تسع و احدی عشرة و ثلاث عشرة و حزب المفصل من «ق» حتی یختم»^۳؛ یعنی پیامبر اکرم ﷺ قرآن را به هفت

حزب تقسیم کرده و آن را به اصحاب آموزش داده بودند، به این ترتیب، سه سوره اول (سوره بقره، آل عمران و نساء) حزب اول؛ پنج سوره بعدی حزب دوم؛ هفت سوره بعدی حزب سوم؛ نه سوره بعدی حزب چهارم؛ یازده سوره بعدی حزب پنجم؛ سیزده سوره بعدی حزب ششم؛ و «حزب مُفَصَّل» از سوره «ق» تا «ناس» (شامل ۶۵ سوره) حزب هفتم قرآن است.^۴

بنابراین روایت و دلایل و قرائن دیگر تا اوایل سال نهم هجری، همه سوره‌های قصار و سوره‌های متوسط الحجم قرآن (غیر از

۱- ابن هشام، السیرة النبویة، ج ۴، ص ۱۸۰-۱۸۵.

۲- همان.

۳- ابو داود، سنن، ج ۲، ص ۵۵؛ بخ ۱۳۹۳؛ ابن ماجه، سنن، ج ۱، ص ۴۲۷، بخ ۱۳۴۵.

۴- ابن تیمیه (دقائق التفسیر، ج ۱، ص ۲۴-۳۱) در ذیل همین روایت، این تقسیم را متواتر می‌داند؛ و رواج تقسیم قرآن به ۳۰ جزء و ۶۰ حزب و مانند آن را - که ابتدا و انتهای آن‌ها معمولاً در وسط سوره یا اثنای قصه است و محور کلام ناتمام می‌ماند - از زمان حجاج بن یوسف ثقفی (د ۸۵ق) می‌داند و گفته‌اند که حجاج به انجام این تقسیم امر کرده است؛ (و نیز بنگرید به: فیض کاشانی، المحجة البیضاء، ج ۲، ص ۲۲۳). یا در زمان منصور دوانیقی و توسط عمرو بن عبید انجام شده است (سخاوی، جمال القراء و کمال الاقراء، ج ۱، ص ۳۷۸).

سوره‌های طوال) قبلاً در مکه و هشت سال مدینه نازل، تعلیم، ترویج و مدوّن شده بودند؛ و از سوره‌های طوال هم عمده آیات نازل شده بودند و جایگاه آن‌ها معلوم و مضبوط بوده است، به گونه‌ای که اصلاً بر سر ترتیب آیات در سوره‌های طوال اختلافی در روایات گزارش نشده است و هر یک از آن سوره‌ها منتظر چندآیه‌ای بوده‌اند که در بقیه سال‌های عمر شریف آن حضرت نازل شدند و در جای خود قرار گرفتند.

مجموع این سوره‌ها، ۱۱۳ سوره است که با احتساب سوره حمد ۱۱۴ سوره می‌شود؛ با توجه به جایگاه خاصّ سوره حمد^۱، به عنوان «امّ القرآن» و «امّ الكتاب»^۲، این سوره خارج از حزب‌های قرآن قرار گرفته است؛ نام دیگر و معروف آن یعنی «فاتحة الكتاب» نیز نشانگر مجموعه منسجم و هماهنگ قرآن است که آغازش با این سوره است. همچنان‌که وقتی ابن عباس قرآن را نزد ابی بن کعب ختم می‌کند، ابی به او تعلیم می‌دهد که دوباره سوره حمد و پنج آیه اول سوره بقره را بخوان؛ زیرا هنگامی که من نیز قرآن را نزد پیامبر اکرم ﷺ ختم کردم، آن حضرت این را که به تو گفتم، به من تعلیم داد^۳.

در احادیث ختم قرآن، رسول خدا ﷺ

ختم قرآن را در ۴۰ یا ۳۰ روز توصیه می‌کند، و در مقابل اصرار برخی جوانان عابد، ختم در کمتر از یک هفته (و در ماه رمضان کمتر از سه روز) را روا نمی‌دانند^۴. در عین حال، مسلمانان را بر اِدمان و مداومت بر قرائت سوره به سوره قرآن در کنار ختم آن از آغاز تا پایان و از پایان تا آغاز قرآن تشویق می‌نمود: عن زرارة بن اوفی انّ النبی ﷺ سئل ائى العمل افضل؟ قال: «الحال المُرْتَحِل قیل: و ما الحال المرتحل؟ قال: صاحب القرآن یضرب من اول القرآن الی آخره و من آخره الی اوله کَلِّمًا حلَّ ارتحل»^۵. البته، ختم قرآن هر کسی به تعداد آیات و سوره‌هایی است که فرا گرفته بود؛ رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «ختم القرآن الی حیث تعلم»^۶.

۱- پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «اعطیت فاتحة الكتاب من تحت العرش و المفضّل النافله» (حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۵۵۹).

۲- دارمی، سنن، ج ۲، ص ۳۱۹، خ ۳۳۷۴.

۳- ابن جزری، النشر فی القراءات العشر، ج ۲، ص ۴۴۰-۴۴۴.

۴- کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۶۱۸؛ دارمی، سنن، ج ۲، ص ۳۴۳، خ ۳۴۸۶.

۵- دارمی، سنن، ج ۲، ص ۳۴۲، خ ۳۴۷۶.

۶- کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۶۱۳.

بر پایه روایاتی دیگر، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند سوره‌های سبع طوال^۱ را به جای تورات، و سوره‌های مئین (کم و بیش صد آیه‌ای) را به جای انجیل، و سوره‌های مثنائی را به جای زبور به من داده است و سوره‌های [حزب] مفصل، فضلی است که خداوند مرا به آن برتری و فضیلت داده است»^۲.

در روایات تقسیم قرآن به هفت حزب، به نام سوره‌ها به صورت کامل اشاره نشده است؛ علت آن را می‌توان در بی‌نیازی راویان از ذکر آن‌ها دانست؛ چرا که اولاً: اغلب مسلمانان این ترتیب را به تواتر می‌دانستند؛ ثانیاً: چگونگی قرار گرفتن سوره‌ها در متن مکتوب قرآن (مصحف) خود بهترین روایت و سند کتبی بر نحوه ترتیب آن‌ها است؛ با این حال، در روایات آداب ختم قرآن، به سوره حمد و بقره، به عنوان سوره‌های آغازین قرآن و ناس، آخرین سوره آن اشاره شده؛ و در روایت اوس بن حذیفه نیز به شروع حزب مفصل با سوره «ق» تصریح شده است.

قدیم‌ترین مصاحفی که در دسترس است نشان می‌دهند که مسلمانان با همه اختلافات مذهبی، عقیدتی و نژادی که داشته‌اند قرآن را به همین ترتیب کنونی کتابت کرده و به نسل بعدی سپرده‌اند و به صورت متواتر به

دست ما رسیده است؛ که این خود توقیفی بودن ترتیب آیات و سوره‌ها را تقویت می‌کند^۳.

۱- هفت سوره طولانی ابتدای قرآن: بقره، آل عمران، نساء، مانده، انعام، اعراف، انفال و توبه، که در این اصطلاح، سوره انفال و توبه که از دیرباز با عنوان «قرینتین» شناخته شده و زوج یکدیگرند، یکی محسوب شده‌اند، ولی در خارج از این اصطلاح هر کدام سوره مستقلی است. همچنان که ابی بن کعب می‌گوید: «کان رسول الله یأمرنا بوضع «بسم الله الرحمن الرحیم» فی اول کل سوره و لم یأمرنا فی هذا [سوره التوبه] بشیءٍ فلذلك لم نضعه» (ابن عطیه، المحزر الوجیز، ج ۳، ص ۳).

۲- کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۶۰۱، خ ۱۰.

۳- برای مطالعه سایر دلایل و قراین بنگرید به: بخاری، صحیح، ج ۱۹، ص ۲۷، باب من قال لم یتروک النبی صلی الله علیه و آله الا ما بین الذفتین؛ دارمی، سنن، ج ۲، ص ۳۰۵، خ ۳۳۱۶؛ مقدمتان، ص ۳۹-۷۸ و ۲۶-۳۸؛ سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۸۹-۱۹۹؛ زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۳۲، ۳۲۹، ۳۳۰ و ۳۵۸؛ ابو شامه مقدسی، المرشد الوجیز، ص ۶۶-۷۱؛ طبرسی، مقدمه مجمع البیان لعلوم القرآن، ج ۱، فن خامس؛ صغیر، تاریخ القرآن؛ مرتضی عاملی، حقائق هامة حول القرآن الکریم، ص ۶۳-۱۰۴؛ خوبی، البیان فی تفسیر القرآن، ص ۲۳۷-۲۵۹؛ دروزه، القرآن المجید، ص ۵۲-۱۴۰؛ این کتاب در مقدمه «التفسیر الحدیث» (بیروت: دارالغرب الاسلامی، ۱۴۲۱ق - ۲۰۰۰م) اثر تفسیری ←

از سوی دیگر به دست‌نوشته‌های قرآنی کامل یا ناقص هر یک از صحابه، در عهد رسالت پیامبر اکرم ﷺ نیز «مصحف» گفته می‌شد؛ رامیار دست‌کم از چهارده صحابی^۱، و عاملی از بیست و چهار صحابی که در زمان پیامبر اکرم ﷺ صاحب مصحف بوده‌اند، نام می‌برند^۲. به طوری که واژه «مصحف» و جمع آن به صورت «مصاحف» در زبان پیامبر اکرم ﷺ و صحابه به مناسبت‌های مختلف به کار می‌رفته است^۳. از جمله نهی از رهبانیت کسانی که در مسجد عزلت‌گزیده و جامعه و خانواده را رها نموده و به ختم‌هایی پی در پی و بدون تدبیر خود از روی مصاحف افتخار می‌کردند^۴.

عثمان بن ابی‌العاص یکی دیگر از افراد وفد ثقیف - که در سال نهم هجری وارد مدینه شد - می‌گوید: شب‌ها نزد رسول خدا ﷺ قرآن می‌آموختم و در غیاب ایشان نزد ابوبکر و ابی‌بن کعب می‌رفتم. (در پایان سفر) مصحفی را که نزد رسول خدا ﷺ بود خواستار شدم، ایشان نیز آن را به من عطا کرد^۵.

اختلاف ترتیب سوره‌ها در

مصاحف برخی از صحابه

بر پایه برخی اقوال نه چندان محکم،

مصحف بعضی از صحابه از جمله مصحف ابن‌مسعود، ابی‌بن کعب و امام علی علیه‌السلام از نظم و ترتیب دیگری برخوردار بوده است. که به فرض صحت این اقوال، خللی به

→ همین نویسنده به چاپ رسیده است. و فصل دوم این کتاب «جمع القرآن و تدوین و قراءاته و رسم المصحف و تنظیماته» با نام «تاریخ قرآن» توسط استاد محمد علی لسانی فشارکی در سال ۱۴۰۰ق به فارسی ترجمه شده است؛ شریعتی، تفسیر نوین، ص سیزده تا هجده؛ معارف، درآمدی بر تاریخ قرآن، ص ۸۷-۱۵۰؛ رامیار، تاریخ قرآن، ص ۲۸۰-۲۹۵؛ ایازی، کاوشی در تاریخ جمع قرآن کریم، تحقیقی پیرامون توقیف‌ت ترتیب سوره‌های قرآن کریم؛ خرقانی، «وحياني بودن ساختار قرآن»؛ مهدوی راد، آفاق تفسیر، ص ۳۶۴-۳۷۲ و ۹۸-۱۰۴.

Harald Motzki, The collection of the Qur'an: a recon.

- ۱- رامیار، تاریخ قرآن، ص ۳۳۴.
- ۲- عاملی، حقائق هامه حول القرآن الکریم، ص ۹۰-۹۷؛ و نیز بنگرید به: نولدکه، «قرآن‌های موجود پیش از مصحف عثمان»، ص ۱۰۷.
- ۳- بنگرید به: عاملی، حقائق هامه حول القرآن الکریم، ص ۸۲-۸۸.
- ۴- «لا تغرنکم هذه المصاحف المعلقة ان الله لا يعذب قلباً وعى القرآن» (ابن‌جوزی، فنون الافتنان فی عیون علوم القرآن، ص ۱۴۶؛ سخاوی، جمال القراء و کمال الاقراء، ج ۱، ص ۲۲۵).
- ۵- هبثمی، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج ۶، ص ۶۱۹، خ ۱۵۹۹۱؛ واقدی، مغازی، ج ۳، ص ۷۳۴.

توقیفی بودن ترتیب آیات و سوره‌های قرآن وارد نمی‌شود؛ زیرا ترتیب‌های مختلفی برای هر یک از این سه مصحف ذکر کرده‌اند که با یکدیگر متناقض و ناسازگارند^۱ و به نظر می‌رسد بر اساس حدس و گمان ساخته و پرداخته شده‌اند^۲، چنان که ابن‌ندیم (د۳۸۰ق) بعد از گزارش ترتیب سوره‌ها در مصحف ابن‌مسعود بر طبق گفته فضل‌بن‌شاذان می‌گوید: «من چندین مصحف دیدم که نویسندگان آن‌ها نوشته بودند این‌ها مطابق مصحف ابن‌مسعود است، ولی دو مصحف در آن میان با هم یکنواخت و یکسان نبودند و بیشتر آن‌ها بر پوست نگارش شده که حک و اصلاح زیادی در آن‌ها اعمال شده بود»^۳.

از این رو، ابن‌ندیم گفته فضل‌بن‌شاذان در ترتیب سوره‌ها در مصحف ابن‌مسعود و ابی‌بن‌کعب را تأیید نمی‌کند؛ چرا که مدرک معتبری بر اثبات درستی آن نیافته است.

بر اساس روایتی در المبانی برخی از شیادان نسخه‌هایی بی‌اساس را با نام مصحف ابن‌مسعود بر ساخته، آن را نزد امرا می‌بردند و وانمود می‌کردند که خزانه کتب امیر نباید از چنین مصحفی خالی باشد^۴.

در یکی از قدیم‌ترین گزارش‌ها آمده است که گروهی از عراقیان نزد محمد فرزند

ابی‌بن‌کعب آمده، از او مصحف پدرش را طلب کردند و محمد بدون انکار چنین مصحفی اظهار داشت که عثمان آن را گرفته است^۵؛ در نیمه دوم سده نخست هجری، محمد بن کعب قرظی نسخه‌ای از مصحف ابی‌بن‌کعب را دیده بود که تفاوت قابل ملاحظه‌ای با مصحف رسمی نداشته است^۶.

مشهور است مصحف امام علی علیه السلام به ترتیب نزول تدریجی بوده است؛ برای نقد آن به کتاب «مصحف امام علی علیه السلام» (ص ۸۱-۱۱۱) نگاشته سید محمد علی

۱- بنگرید به: ابن‌ندیم، الفهرست، ص ۲۹؛ یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۳۵؛ شهرستانی، مفاتیح الاسرار، ج ۷، ص ۱۱-۱۰؛ رامیار، تاریخ قرآن، ص ۳۴۰-۳۷۳ و ۶۶۲-۶۹۹؛ سیوطی، الاتقان، ج ۱، ص ۲۰۱-۲۰۳.

۲- مقدمتان، ص ۴۷-۴۸؛ قدوری، رسم الخط مصحف، ص ۱۱۱؛ لسانی فشارکی، تفسیر روحانی، ص ۷۳؛ ایازی، مصحف امام علی علیه السلام، ص ۸۱-۱۱۱؛ نولدکه، «قرآن‌های موجود پیش از مصحف عثمان»، ص ۱۰۷.

۳- الفهرست، ص ۲۹، و نیز بنگرید به: پاکتچی، «ابن‌مسعود»، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۴، ص ۶۱۵.

۴- مقدمتان، ص ۴۷-۴۸.

۵- پاکتچی، «ابی‌بن‌کعب»، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ص ۴۶۴-۴۶۶.

۶- ابن‌ابی‌داوود، المصاحف، ص ۳۲.

یازی مراجعه کنید^۱.

روایاتی که دلالت می‌کند علی‌علیه السلام قرآن را گرد آورد و آن را نزد مردم برد و آنان آن را نپذیرفتند، افراط کرده‌اند...»^۳.

خلفای راشدین و جمع قرآن

روایات موجود در مسئله جمع قرآن توسط خلفای راشدین، علاوه بر تناقض‌های موهوم و اختلاف‌های عمده‌ای که با هم دارند، با بزرگ‌نمایی و کوچک‌نمایی‌هایی روبه‌رو هستند که بیشتر نمایانگر جعلی به ظاهر هوشمندانه از سوی دشمنان دانا و دوستان نادانی است که در فضایی تعصب‌آمیز و تفرقه‌گرایانه خواهان کسب امتیازات بیشتر برای مذهب و قوم و قبیله خویش هستند، تا از این طریق به زعم خویش جایگاه خود را در تاریخ اسلام تثبیت کنند^۲. غافل از این که، دشمنان از این دستاویز، بیشترین بهره را در جهت تخریب و تضعیف ایمان و اعتقاد مسلمانان به قرآن برده و می‌برند.

امام علی‌علیه السلام و عثمان در عهد رسالت، کاتب وحی و صاحب مصحف بوده‌اند^۴. بنابراین، در تحلیل روایاتی که از امام علی‌علیه السلام به عنوان اولین گردآورنده قرآن پس از رحلت نبی اکرم صلی الله علیه و آله یاد می‌کنند - به فرض صحت صدور آن‌ها^۵ - می‌توان چهار فرضیه را مطرح کرد:

الف - حضرت علی‌علیه السلام، مصحف خویش را کامل نمود؛ یعنی آن حضرت تا قبل از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به علت مأموریت‌های متعدد فرصت نگارش بعضی از سوره‌های قرآن را در مصحف خویش به دست نیاورده

آیه الله بروجردی معتقدند: «هدف عامه در نقل این روایات، بیان فضیلت ابی‌بکر و عمر و نشان دادن خدمت آن دو به اسلام می‌باشد و از جانب آنان این روایات در میان خاصه راه پیدا کرده است، و اهل سنت در نقل این روایات که باعث کوبیدن عظمت قرآن می‌شود، برای بزرگداشت خلفاء افراط کرده‌اند، همچنان که شیعه نیز در نقل

۱- و نیز بنگرید به: مهدوی راد، آفاق تفسیر، ص ۳۷۱ و

۹۸-۱۰۴؛ نولدکه، «قرآن‌های موجود پیش از

مصحف عثمان»، ص ۱۰۷.

۲- خویی، البیان، ص ۲۴۰-۲۴۹؛ عاملی، حقائق هامة،

ص ۵۱، ۱۰۳، ۱۳۱؛ ابن ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه،

ص ۴۴-۴۵؛ حکیم، علوم قرآنی، ص ۱۰۳ و ۱۱۷؛

نولدکه، «نقد و بررسی روایات جمع قرآن»، ص ۹۰.

۳- خرقانی، «وحياني بودن ساختار قرآن»، ص

۳۲۶-۳۵۱؛ و نیز بنگرید به: مهدوی راد، آفاق تفسیر،

ص ۳۶۵.

۴- رامیار، تاریخ قرآن، ص ۲۶۳ و ۳۳۵.

۵- بنگرید به: حکیم، علوم قرآنی، ص ۱۱۷.

بود؛ از این رو، در فرصت سه یا شش روز آن را تکمیل کرد.

ب- از آنجا که امام علی علیه السلام اغلب پس از نزول آیات به فراگیری و نگارش آنها اهتمام می‌ورزید^۱، ممکن است مصحف آن حضرت به‌طور طبیعی (و نه عمدی) به ترتیب نزول تدریجی بوده باشد که پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را بر اساس ترتیب نزول دفعی قرآن منظم و مدون نموده باشند.

ج- حضرت علی علیه السلام به منظور تثبیت و ترویج بیشتر متن مکتوب قرآن در میان مسلمانان مصحفی دیگر را تهیه و تدوین نمود؛ چنان‌که بر پایه روایتی فرمود: «رأيت كتاب الله يزد فيه، فحدثت نفسي الألبس ردائي الأ لصلاة حتى اجمعه»^۲؛ دیدم در کتاب خدا زیادتی وارد شده است [که موجب تغییر کتاب خدا می‌گردد] پس تصمیم گرفتم که جز برای اقامه نماز ردا به دوش نگیرم (از منزل خارج نشوم) تا قرآن را گرد آورم. البته انجام این کار در مدت سه یا شش روز بعید به نظر می‌رسد.

د- ممکن است منظور از مصحف امام علیه السلام دفتری حاوی تصریفات قرآنی بوده باشد. از این رو، این نوشته‌ها شخصی محسوب شده و قرار نبوده است که در اختیار دیگران قرار بگیرد.

ه- بر پایه برخی از روایات، دست نوشته‌های اولیه قرآن که بر روی قراطیس، حریرها و مانند آن نگارش شده بود، در منزل رسول خدا صلی الله علیه و آله نگهداری می‌شد. هنگام رحلت، آن حضرت به امام علی علیه السلام وصیت فرمود: «آنچه را که از دست نوشته‌های قرآن در منزل من است جمع کن و آنها را ضایع نکنید، آن‌چنان که یهود، تورات را ضایع کرد»^۳.

حضرت علی علیه السلام آنها را جمع کرد و در داخل پارچه‌ای زرد رنگ قرار داده، بر سر آن مهر زد، و آنها را به مسجد برد و در حضور مسلمانان اعلام کرد هر آنچه از قرآن در منزل رسول خدا صلی الله علیه و آله بود، جمع‌آوری کرده‌ام و در این پارچه قرار داده و بر آن مهر زده‌ام و دیگر کسی آنها را نخواهد دید^۴.

به نظر می‌رسد این برگه‌ها حاوی اشاراتی بوده است که این احتمال وجود داشته، کسانی با دستیابی به آن، دست به تدوین و ترتیبی دیگر برای قرآن بزنند. اهمیت این کار از آنجا ناشی می‌شود که

۱- مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۷۸-۷۹.

۲- سیوطی، الاتقان، ج ۱، ص ۱۸۳.

۳- قمی، تفسیر، ج ۲، ص ۴۵۱.

۴- ابطحی، جامع الاخبار و الآثار، ج ۱، ص ۴۵.

همواره این پرسش در همه اعصار و تاکنون مطرح بوده و هست که ترتیب نزول تدریجی چگونه بوده است؟! و از همان آغاز، هر کسی برای به دست آوردن آن، تلاش‌هایی انجام داده است، ولی هیچ فرد یا گروهی نتوانسته است به ترتیب نزول تدریجی قرآن دست یابد؛ زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قرآن را بر اساس نزول دفعی، تدوین و تألیف نمود، تا قرآن جایگاهی همانند یک کتاب اسطوره‌ای، باستانی و تاریخی که فقط مربوط به یک دوره زمانی و مکانی و مردمانی خاص بوده است، پیدا نکند. به هر روی، امام علی علیه السلام به نوعی دست نوشته‌های اولیه قرآن را بایگانی نمود، تا زمینه هر گونه سوء استفاده احتمالی از میان برود؛ چنان‌که افرادی بعدها خواهان آن شدند، ولی حضرت از دادن آن‌ها امتناع ورزید.^۱

بدین سان این که گفته شده است که مصحف (قرآن) حضرت علی علیه السلام بر اساس ترتیب نزول تدریجی بوده و در آن علوم و معارفی فراوان همچون تأویل و تفسیر، ناسخ و منسوخ، ظاهر و باطن، محکم و متشابه مکتوب بوده، بر اساس همین واقعه تاریخی ساخته شده و در واقع نوعی پاسخ به این کنجکاوی بوده است. به‌ویژه حضرت

علی علیه السلام به عنوان آگاه‌ترین و عالم‌ترین صحابی رسول خدا صلی الله علیه و آله به قرآن بعد از آن حضرت مطرح بوده‌اند.

اما بر پایه قرآن‌شناسی امام علی علیه السلام و دیگر ائمه اهل بیت علیهم السلام که برگرفته از قرآن و آموزه‌های نبوی است؛

اولاً: قرآن، کلام الله است^۲ که فرا زمانی، فرامکانی، فرازبانی، و فرافرهنگی، از ویژگی‌های اصلی آن است، به طوری که همه مردم در هر عصر و مکانی مخاطب پیام رحمت آفرین آن هستند. به فرموده علامه طباطبائی «اساساً مقاصد عالیه قرآن مجید که معارفی جهانی و همیشگی می‌باشند در استفاده خود از آیات کریمه قرآن، نیازی قابل توجه یا هیچ نیازی به اسباب نزول ندارند»^۳؛ بنابراین، ضبط و ثبت شأن نزول در مصحف، محدود کردن قرآن به بعضی از مصادیق آیات در یک زمان و مکان خاص بوده و برخلاف اهداف و مقاصد نزول قرآن و بر خلاف تعالیم قرآن شناختی مکتب معصومین علیهم السلام است؛ چنان که امام باقر علیه السلام

۱- نکونام، پژوهشی در مصحف امام علی علیه السلام، ص ۷۲-۷۶.

۲- توبه (۹): ۶؛ بقره (۲): ۷۵؛ فتح (۴۸): ۱۵.

۳- طباطبائی، قرآن در اسلام، ص ۱۲۰.

می‌فرماید: «اگر آیه‌ای از قرآن فقط برای قومی خاص نازل شده بود با مردن آن قوم، آیه نیز می‌مرد؛ ولی [اینگونه نیست] قرآن از آغاز تا فرجامش - تا زمانی که آسمان‌ها و زمین برپاست - [زنده] و جاری است»^۱. یا فرموده‌اند: «ان القرآن حی لا یموت»^۲.

ثانیاً: هر یک از این علوم و اصطلاحات، یعنی تنزیل و تأویل، ظاهر و باطن، ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه، و نحوه استناد معصومین علیهم‌السلام به آن‌ها بیانگر ماهیت قرآن و مبانی اصیل قرآن‌شناسی و انعطاف‌پذیری احکام و معارف آن در مقابل شرایط مختلف انسان‌ها و چگونگی تعامل درست با آن است.

امام علی علیه‌السلام با بندگی خداوند و شاگردی در محضر کلام خدا و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و حمل قرآن و تدبیر در آن همه این علوم را فراگرفته و در قلب و ذهن خویش استوار ساخته و در عمل آن را به منصفه ظهور رسانده است^۳ و به همین ترتیب، مبانی این علوم به یکایک ائمه بعد از خودشان منتقل شد^۴. از این رو، گفتار، رفتار و تقریرات پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه طاهریین علیهم‌السلام در عرصه‌های مختلف زندگی فردی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، حقوقی و نظامی همگی تبیین و تفسیر عملی قرآن

بر پایه ارجاع متشابهات قرآن به محکومات آن و ارائه تأویلات آن مطابق با شرایط متفاوت زمانی و مکانی و مخاطبان گوناگون آن بوده است^۵. از این رو، تأویل قرآن و ارجاع متشابهات به محکومات آن و ناسخ و منسوخ قرآن به گونه‌ای نیستند که بتوان آن‌ها را در یک مدت کوتاه در یک کتاب یا هزاران کتاب دیگر محدود و ثبت کرد^۶؛ چرا که قرآن خود می‌فرماید: ﴿وَلَوْ أَنَّ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفِدَتْ

۱- مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۳۲۸.

۲- عیاشی، تفسیر، ج ۲، ص ۲۰۳.

۳- چنان که آن حضرت می‌فرماید: «ان ربی وهب لی قلباً عقولاً و لساناً طلقاً» (ابطحی، جامع الاخبار و الآثار، ج ۱، ص ۴۶۶)؛ و نیز بنگرید به: صفار، بصائر الدرجات، ص ۹۸، ۵۳۶؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۹۷-۹۹؛ سیوطی، الدر المنثور، ج ۸، ص ۲۴۷.

۴- البته بعید نیست که محتوای «کتاب علی»، «جامعه» یا «جفر» شامل تعالیم نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در زمینه قرآن‌شناسی و مانند آن نیز بوده باشد (مقایسه کنید با مدرسی طباطبایی، میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین، ص ۲۳-۳۰).

۵- برای نمونه بنگرید به: صدوق، کتاب الخصال، ج ۲، ص ۳۵۸؛ کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶۸؛ صفار، بصائر الدرجات، ص ۱۹۵-۱۹۶.

۶- مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۷۸-۱۰۶.

كَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ^۱؛ و ﴿قُلْ لَوْ كَانُ
الْبَحْرُ مِدَادًا لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ
كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا^۲﴾.

بنابراین، دانایی کامل امام علی علیه السلام به این علوم از یک سو؛ و از دیگر سو، شناخت نادرستی که از این علوم در میان مسلمانان وجود داشته و سوگمندان هنوز نیز وجود دارد، سبب شده است که آن نسبت‌ها را به مصحف امام علی علیه السلام بدهند، در حالی که همه کوشش ائمه طاهرين علیهم السلام به عنوان مبینان و مفسران حقیقی قرآن و حافظان سیره و سنت نبوی صلی الله علیه و آله بر این محور استوار بود که این علوم و اصول و مبانی قرآن‌شناسی را به صورت عملی و شفاهی به مردم بیاموزند، تا همگان بر پایه شناخت درست قرآن و روش صحیح تعامل با آن، بتوانند در همه احوال به‌ویژه در برخورد با مسائل و مشکلات جدید زندگی فردی و اجتماعی، پاسخ‌های قرآن را با تدبیر و تفقه در آن کشف و دریافت نموده، از خوان پر گهر آن بهره‌مند گردند.^۳

از این رو، بازنگری محققانه و تجدید نظر عالمانه در مجموعه علوم قرآنی متداول بر مبنای تعالیم قرآن و مبانی قرآن‌شناسی مکتب اهل بیت علیهم السلام و انجام مطالعات بین رشته‌ای، مهم‌ترین وظیفه قرآن‌پژوهان و

اندیشمندان حوزه علوم قرآنی است، تا آسیب‌ها و نقاط ضعف این علوم مشخص شده، از این وضعیت انفعالی و ناکارآمدی خارج شوند.

در مورد جمع‌آوری قرآن توسط ابوبکر بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، با فرض صحت صدور روایات، گفته‌اند: وی پس از کشته شدن تعدادی از حافظان و کاتبان قرآن در جنگ یمامه^۴ به منظور تثبیت بهتر قرآن، یا به جهت داشتن مصحف شخصی، یا به عنوان خلیفه خواهان تهیه متنی رسمی از قرآن بوده است^۵، که این متن با استنساخ از روی مدارک و منابع نوشتاری معتبری که تأیید و تقریر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را دربر داشت و با نظارت و تأیید کاتبان و معلمان قرآنی

۱- لقمان / ۲۷.

۲- کهف / ۱۰۹.

۳- مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۱۳۲؛ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۳۸۶؛ طباطبایی، المیزان، ج ۸، ص ۹۳-۹۴.

۴- رامیار، تاریخ قرآن، ص ۳۰۲ و ۳۰۳؛ مقایسه کنید با:

نولدکه، «نقد و بررسی روایات جمع قرآن»، ص ۸۸.

۵- صغیر، تاریخ القرآن، ص ۲۸؛ بلاشر، در آستانه قرآن،

ص ۵۳؛ نولدکه، «نقد و بررسی روایات جمع قرآن»،

ص ۹۰؛ عاملی، حقائق هامة، ص ۱۱۶ و ۱۳۰؛ رامیار،

تاریخ قرآن، ص ۳۰۴.

همچون زید بن ثابت و ابی بن کعب انجام گرفت.^۱

عبد خیر می‌گوید: شنیدم علی رضی الله عنه می‌گفت: «اعظم الناس فی المصاحف اجراً ابوبکر، رحمة الله علی ابی بکر، هو أوّل من جمع کتاب الله»^۲؛ در این روایت به جمع قرآن توسط ابوبکر پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره‌ای نشده است. از این رو، می‌تواند بیانگر این مسئله باشد که او جزء اولین گردآورندگان قرآن در مصحف در عهد نبوی بوده است.

جمع قرآن توسط عثمان نیز چیزی جز ارائه مصحفی الگو برای سایر مناطق و سرزمین‌های مختلف اسلامی در قالب بهسازی و یکنواخت سازی متن مصحف‌ها مطابق تعلیم نبوی صلی الله علیه و آله نبوده است. بر پایه روایات، با گسترش فتوحات و افزایش حوزه‌های آموزش و ترویج قرآن در مناطق تازه مسلمان و شکل‌گیری نحله‌های مختلف قرآنی، تفسیری و فقهی بر پایه تعالیم بزرگان صحابه، پاره‌ای از مصاحف به علت رعایت نکردن الگوهای نبوی در مصحف‌پردازی و نگارش قرآن، از نظم و ترتیب و احیاناً از رسم الخط اصلی خود خارج شده و تصریفات قرآنی و قرانات تفسیری و تبیینی معلمان قرآن به درون متن مصحف‌ها راه

یافته بود که همین عوامل موجب اختلافاتی میان مسلمانان شده بود.^۳ از این رو، عثمان با مشورت بزرگان صحابه در مدینه از جمله امام علی رضی الله عنه، کمیته‌ای را با حضور معلمان قرآن و کاتبان وحی در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای استنساخ و تهیه چند مصحف رسمی تشکیل داد.

سوید بن غفله می‌گوید: سوگند به خدا از علی بن ابی طالب شنیدم که می‌گفت: «یا ایها الناس لا تغلوا فی عثمان و لا تقولوا له الاخیراً فی المصاحف و احراق المصاحف فوالله ما فعل الذی فعل فی المصاحف الا عن مآ منّا جمیعاً، فقال [عثمان] ما تقولون فی هذه القراءة؟ فقد بلغنی انّ بعضهم یقول انّ قراءة خیر من قراءة تک، و هذا یکاد ان یکون کفرأً، قلنا فما تری؟ قال: نری ان نجعم الناس علی مصحف واحد فلا تكون فرقة و لا یکون اختلاف و قلنا: فنعم ما رأیت.»^۴

«ای مردم! از گزافه‌گویی در کار عثمان پرهیزید و در مورد مصاحف و سوزاندن

۱- رامیار، تاریخ قرآن، ص ۳۰۹-۳۱۷؛ صغیر، تاریخ قرآن، ص ۸۳-۸۵؛ شاهین، تاریخ قرآن، ص ۱۱۳-۱۱۴.

۲- سیوطی، الاتقان، ج ۱، ص ۱۸۲.

۳- ابن ابی داوود، المصاحف، ص ۶۰-۱۰۱ و ۱۷۴.

۴- ابن ابی داوود، المصاحف، ص ۳۰.

آن‌ها جز به خیر و نیکی سخن نگویند. سوگند به خدا هر آنچه عثمان در مورد مصاحف انجام داد با رأی و صلاحدید جمعی از ما [صحابه] بود.

عثمان گفت: شما درباره این [اختلاف] قرائت‌ها چه می‌گویید؟ به من خبر رسیده که بعضی قرائت خود را بهتر از قرائت دیگران می‌دانند و چه بسا عملاً این‌گونه رفتارها به کفر بینجامد.

از او پرسیدم: نظر تو چیست؟

گفت: مصحفی واحد را برای مردم گرد آوریم، تا دیگر اختلاف و تشتی در میان مصاحف و مسلمانان نباشد. گفتیم: نظر تو پسندیده و نیک است.»

این کمیته با نظم و دقت و بر طبق معیارها و تعالیم نبوی در نگارش قرآن، چندین مصحف امام (الگو) را یکنواخت و یکسان، تهیه و تدوین نمود و عثمان آن‌ها را به سرزمین‌های مهم اسلامی فرستاد، تا سایر مصاحف با آن‌ها مقابله شده و از این پس مصاحف بر طبق آن‌ها نگارش و سامان یابند!

بنابراین، منظور از جمع قرآن توسط عثمان برطرف کردن اختلاف قرائتی بوده که از اختلاف متن مصاحف نشأت می‌گرفته است؛ زیرا اختلاف در قرائت قرآن بنا به

عللی طبیعی از زمان پیامبر اکرم ﷺ و بدون ارتباط به مصحف و رسم الخط قرآن شروع شد. و آن حضرت نه تنها مانع آن نشد، بلکه آن را در مسیری جهت ترویج قرآن آموزی و تبیین بهتر زبان قرآن قرار دادند^۲. و حتی بعد از اقدام ابن مجاهد (د ۳۲۴ق) در رسمیت بخشیدن به هفت قرائت از میان ده‌ها قرائت، اختلاف در قرائت تا مدتی ادامه یافت^۳.

بدین ترتیب، عثمان در نظم و ترتیب آیات و سوره‌های قرآن^۴ و رسم الخط اصیل آن هیچ‌گونه دخل و تصرفی نداشته^۵ و

۱- همان، ص ۳۰-۳۴؛ سیوطی، الاتقان، ج ۱،

ص ۱۸۷-۱۹۴؛ شاهین، تاریخ قرآن، ص ۷۸؛ صغیر، تاریخ القرآن، ص ۸۷-۹۱؛ رامیار، تاریخ قرآن، ص ۴۰۷-۴۶۴.

۲- رجبی، «زمینه‌های صدور روایات احرف سبعة»، ص ۸۳-۱۲۳.

۳- پاکتچی، «ابن مجاهد»، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۴، ص ۵۸۲-۵۸۴.

۴- چنان‌که عبدالله بن زبیر به عثمان می‌گوید: چرا [آیه ۲۴۰ سوره بقره]: «والذین یُتَوَفَّوْنَ مِنْکُمْ وَ یَذْرَوْنَ ازواجاً...» را که [به آیه ۲۳۴ بقره] نسخ شده است، نوشته‌اید و آن را رها نکرده‌اید، عثمان در پاسخ می‌گوید: یابن اخی، لا اُغَیِّرُ شَیْئاً مِنْهُ مِنْ مَکَانِهِ: پسر برادرم! من چیزی از قرآن را از مکانش تغییر نمی‌دهم (سیوطی، الاتقان، ج ۱، ص ۱۹۰).

۵- علامه حلی (د ۷۲۶ق) معتقد است، «یجب أن یقرأ

مطابق تعالیم نبوی عمل کرده است.^۱ از این رو، این قسمت از روایت ابن عباس را نمی‌توان پذیرفت؛ آن‌جا که گفته است: «از عثمان پرسیدم چه چیز شما را بر آن داشت که سوره انفال را که از مَثانی است با سوره بَرائت (توبه) که از مَثین است کنار هم گذاردید و میان آن دو ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ را ننوشتید و هر دو را جزء سبع طُؤَل (طوال) قرار دادید؟ عثمان گفت: ... انفال از سوره‌های آغازین نزول در مدینه و بَرائت آخرین آن‌ها بود که محتوای یکی بسیار شبیه آن دیگری است. گمان کردیم که این هم جزء آن یکی است. رسول خدا ﷺ رحلت کرد و برای ما روشن نشد که [آیا] این هم جزء آن هست؟ بدین جهت بود که این دو را کنار هم گذاشتیم و میان آن‌ها ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ ننوشتیم و آن دو را در سبع طوال قرار دادیم»^۲؛ چرا که اولاً: اگر سوره انفال و توبه یکی محسوب شوند، با شش سوره آغازین قرآن یعنی بقره، آل عمران، نساء، مائده، انعام و اعراف، اصطلاح «سبع طول (طوال)» را - که در روایات منسوب به رسول خدا ﷺ نیز به آن اشاره شده است^۳ - درست خواهند کرد؛ ثانیاً: با این روایت ابی‌بن‌کعب که می‌گوید: «با نزول هر سوره‌ای رسول خدا ﷺ به ما

دستور می‌داد که ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ را در ابتدای آن بنویسیم، ولی هنگامی که سوره بَرائت (توبه) نازل شد در این مورد دستوری نفرمود و ما آن را بدون ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ نگاشتیم^۴ در تعارض است. ثالثاً: در روایتی از امام علیؑ نیامدن ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ در ابتدای سوره توبه این‌گونه توجیه می‌شود که بسمله، بشارت و رحمت است، در حالی که قسمت اعظم آیات این سوره، تهدید و تخویف مشرکانِ پیمان‌شکن و منافقان است.^۵

→ بالمتواتر من الآيات و هو ما تضمّنه مصحف علیؑ لِأَنَّ أَكْثَرَ الصَّحَابَةِ اتَّفَقُوا عَلَيْهِ وَ حَرَقَ عُمَانُ مَا عَدَاهُ فَلَا يَحُوزُ أَنْ يَقْرَأَ بِمِصْحَفِ ابْنِ مَسْعُودٍ وَلَا أَبِيٍّ وَلَا غَيْرِهِمَا... لِأَنَّ غَيْرَ مُتَوَاتِرٍ لَيْسَ بِقُرْآنٍ. «تذکرة الفقهاء»، ج ۳، ص ۱۴۱. در روایتی از امام علیؑ آمده است: «اگر من به جای عثمان بودم، همان کار را با مصاحف انجام می‌دادم» (ابن ابی داوود، المصاحف، ص ۳۰).

۱- ابن فارس، الصحاح، ص ۹؛ رامیار، تاریخ قرآن، ص ۴۵۵.

۲. سیوطی، الاتقان، ج ۱، ص ۱۹۰.

۳- کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۶۰۱.

۴- ابن عطیه، المحرر الوجیز، ج ۳، ص ۳.

۵- رامیار، تاریخ قرآن، ص ۴۳۰.

منابع و مأخذ

* قرآن کریم

- ۱- ابطحی، محمدباقر، جامع الاخیار والآثار عن النبی و الانیمة الاطهار، قم: مؤسسه امام مهدی (علیه السلام)، ۱۴۱۱ق.
- ۲- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، به کوشش م. ا. ابراهیم، داراحیاء الکتب العربیة، ۱۹۶۷م.
- ۳- ابن ابی داوود، عبدالله، کتاب المصاحف، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۵ق - ۱۹۸۵م.
- ۴- ابن تیمیة، احمد، دقائق التفسیر، به کوشش محمد بن سید جلیند، قاهره، دار الانصار.
- ۵- ابن جزری، محمد بن محمد، النشر فی القراءات العشر، به کوشش علی محمد الضباع، دارالکتب العربی.
- ۶- ابن جوزی، عبدالرحمن، فنون الافئان فی عیون علوم القرآن، به کوشش حسن ضیاء الدین عتر، بیروت: دار البشائر الاسلامیه، ۱۴۰۸ق - ۱۹۸۷م.
- ۷- ابن عطیة، عبدالحق بن غالب، المحرر الوجیز فی تفسیرالکتاب العزیز، به کوشش عبدالسلام عبدالشافی محمد، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۲ق - ۲۰۰۱م.
- ۸- ابن عمر ازدی، ربیع بن حبیب، الجامع الصحیح (مسند)، به کوشش سعود وهیبی، عمان: مکتبة مسقط، ۱۴۱۵ق - ۱۹۹۴م.
- ۹- ابن فارس، احمد، الصحاحی فی فقه اللغة و سنن العرب فی کلامها، المکتبة السلفیة، ۱۹۱۰م.
- ۱۰- ابن ماجه، محمد بن یزید، سنن، به کوشش محمد فؤاد عبدالباقی، دار احیاء الکتب العربیة، ۱۳۷۲ق.
- ۱۱- ابن منظور، محمد بن مکرّم، لسان العرب، قم: نشر ادب الحوزة، ۱۴۰۵ق - ۱۳۶۳ ش.
- ۱۲- ابن ندیم، محمد بن اسحق، الفهرست، بیروت: دارالمعرفة.
- ۱۳- ابن واضح، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، بیروت: دارصادر.
- ۱۴- ابن هشام، عبدالملک، السیرة النبویة، به کوشش عمر عبدالسلام تدمری، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۱۶ق - ۱۹۹۶م.
- ۱۵- ابو داود، سلیمان بن اشعث، سنن، به کوشش محمد محیی الدین عبدالحمید، دار احیاء السنة النبویة.
- ۱۶- ابوشامه مقدسی، عبدالرحمن بن اسماعیل، مرشد الوجیز الی علوم تعلق بالکتاب العزیز، به کوشش د، طیار آلتی قولاچ، انقره: دار وقف الדיانة الترمکی للطباعة والنشر، ۱۴۰۶ق - ۱۹۸۶م.
- ۱۷- ایازی، سید محمد علی، کاوشی در تاریخ جمع قرآن، تحقیقی پیرامون توقیفیت ترتیب سوره های قرآن کریم، رشت: انتشارات کتاب مبین، ۱۳۷۸ ش.
- ۱۸- _____، مصحف امام علی (علیه السلام)، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
- ۱۹- بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح، بشرح الکرمانی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۱ق - ۱۹۸۱م.
- ۲۰- بلاشر، رژی، در آستانه قرآن، ترجمه محمود رامیار، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ پنجم ۱۳۷۶ ش.

- ۲۱- پاکتچی، احمد، «ابی بن کعب»، «ابن مسعود»، «ابن مجاهد»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۶ و ۴، تهران: ۱۳۷۳ و ۱۳۷۰.
- ۲۲- ترمذی، محمدبن عیسی، سنن (الجامع الصحیح)، به کوشش عبدالوهاب عبداللطیف، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۰ق - ۱۹۸۰م.
- ۲۳- جبوری، سهیلہ یاسین، اصل الخط العربی و تطوره حتی نهاية العصر الاموی، بغداد: ۱۹۷۷م.
- ۲۴- حاکم نسابوری، محمدبن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، حلب: مکتب المطبوعات الاسلامیة.
- ۲۵- حسینی شیرازی، سیدمحمد، الفقه حول القرآن الحکیم، قم: انتشارات قرآن.
- ۲۶- حکیم، محمدباقر، علوم قرآنی، ترجمه محمدعلی لسانی فشارکی، تهران: تیبان، ۱۳۷۸ ش.
- ۲۷- حلّی، حسن بن یوسف، تذکرة الفقهاء، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۴ق / ۱۳۷۲ش.
- ۲۸- حبیب، سلیمان، فرهنگ عبری - فارسی، ۱۳۴۴ ش.
- ۲۹- خرقانی، حسن، «وحياني بودن ساختار قرآن»، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۲۰-۱۹، ۱۳۷۸ش.
- ۳۰- خوبی، ابوالقاسم، البیان فی تفسیرالقرآن، بیروت: دارالزهراء، ۱۴۰۱ق - ۱۹۸۱م.
- ۳۱- دارمی، عبدالله بن عبدالرحمن، سنن، به کوشش سید ابراهیم و علی محمد علی، قاهره، دارالحدیث، ۱۴۲۰ق / ۲۰۰۰م.
- ۳۲- دروزه، محمد غزه، تاریخ قرآن، ترجمه محمد علی لسانی فشارکی، تهران: نهضت زنان مسلمان، آذر ۱۳۵۹.
- ۳۳- _____، القرآن المجید، صیدا و بیروت: المکتبة العصریة.
- ۳۴- رامیار، محمود، تاریخ قرآن، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۲ش.
- ۳۵- رجبی، محسن، «زمینه‌های صدور روایات احرف سبعه»، مطالعات اسلامی، شماره ۷۲، ۱۳۸۵ش.
- ۳۶- رضا، احمد، معجم متن اللغة، بیروت: دارمکتبة الحیاة، ۱۳۷۷ق - ۱۹۵۸م.
- ۳۷- زرکشی، بدرالدین، البرهان فی علوم القرآن، به کوشش یوسف عبدالرحمن مرعشلی، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۵ق - ۱۹۹۴م.
- ۳۸- سخاوی، علی بن محمد، جمال القراء و کمال الاقراء، به کوشش عبدالکریم الزبیدی، بیروت: دارالبلاغه، ۱۴۱۳ق - ۱۹۹۳م.
- ۳۹- سلطانی، مصطفی، «بررسی احادیث آغاز وحی»، علوم حدیث، شماره ۲۰، ۱۳۸۰ش.
- ۴۰- سیوطی، جلال‌الدین، الاتقان فی علوم القرآن، به کوشش مصطفی دیب البغاء، دمشق - بیروت: دارابن کثیر، ۱۴۱۶ق - ۱۹۹۶م.
- ۴۱- _____، الدر المنثور فی التفسیربالمأثور، بیروت: دارالمعرفه.
- ۴۲- شاهین، عبدالصبور، تاریخ قرآن، ترجمه سید حسین سیدی، مشهد، به نشر، ۱۳۸۲ش.
- ۴۳- شریعتی، محمدتقی، تفسیرنویین، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
- ۴۴- شهرستانی، محمد عبدالکریم، مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار، تهران، مرکز نسخ خطی ۱۳۶۸ش.

- ۴۵- صدوق (ابن بابویه)، محمد بن علی، کتاب الخصال، به کوشش علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۲ش.
- ۴۶- صغیر، محمد حسین علی، تاریخ القرآن، بیروت: دارالمورخ العربی، ۱۴۲۰ق- ۱۹۹۹ م.
- ۴۷- صفّار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات الكبرى فی فضائل آل محمد، به کوشش م.م. کوچه باغی، تهران، مؤسسه الاعلمی، ۱۳۶۲ق.
- ۴۸- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۷ق / ۱۹۹۷م.
- ۴۹- _____، قرآن در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۳ش.
- ۵۰- طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام (فی شرح المقننه)، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران: نشر صدوق، ۱۳۷۶ ش - ۱۴۱۷ق.
- ۵۱- عاملی، سید جعفر مرتضی، حقائق هامه حول القرآن الکریم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ اول.
- ۵۲- عسکری، مرتضی، نقش ائمه در احیاء دین، مجمع علمی اسلامی.
- ۵۳- عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر، به کوشش هاشم رسولی محلاتی، تهران: المکتبه العلمیه الاسلامیه.
- ۵۴- فضل الله، سید محمد حسین، من وحی القرآن، بیروت، دار الملائک، ۱۴۱۹ق / ۱۹۹۸م.
- ۵۵- فیض کاشانی، محمد بن مرتضی، المحجّه البیضاء فی تهذیب الاحیاء، به کوشش علی اکبر غفاری، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
- ۵۶- قاسمی، حمید محمد، اسرئیلیات و تأثیر آن بر داستانهای انبیاء در تفاسیر قرآن، تهران، سروش، ۱۳۸۰ش.
- ۵۷- قدوری الحمد، غانم، رسم الخط مصحف، ترجمه یعقوب جعفری، اسوه ۱۳۷۶ش.
- ۵۸- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، به کوشش سید طیب موسوی جزائری، قم: مؤسسه دارالکتاب للطباعة والنشر، ۱۴۰۴ق.
- ۵۹- کلینی، محمد بن یعقوب، الاصول من الکافی، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران: مکتبه الصدوق، ۱۳۸۱ق.
- ۶۰- لسانی فشارکی، محمد علی، «احزاب»، «احقاف»، «اخلاص»، «اسراء»، «اعراف»، «اعلی»، «انبیاء»، «انصراف»، «انشقاق»، «انعام»، «انفطار»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۶، ۷، ۸، ۹ و ۱۰.
- ۶۱- _____، تفسیر روحانی، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۷۶ش.
- ۶۲- _____، «علم محکم و مشابه»، جزوه درسی علوم قرآنی (۱)، تهران: دانشکده الهیات دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، ۱۳۷۶ش.
- ۶۳- متقی هندی، علی بن حسام، کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، به کوشش صفوة السقا و بکری حیّانی، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۳۹۹ق - ۱۹۷۹ م.
- ۶۴- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعة لدرر الاخبار الائمة الاطهار، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق - ۱۹۸۳م.
- ۶۵- مدرّسی طباطبایی، سید حسین، میراث مکتوب شیعه

- از سه قرن نخستین هجری، دفتر اول، ترجمه سید علی قرائی و رسول جعفریان، قم، نشر ادیان، ۱۳۸۳ش.
- ۶۶- مرادی زنجانی، حسین؛ لسانی فشارکی، محمدعلی، روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم، زنجان: مهرقلم ۱۳۸۵ش.
- ۶۷- مشکور، محمدجواد، فرهنگ تطبیقی عربی با زبانهای سامی و ایرانی، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۷۵ ش.
- ۶۸- معارف، مجید، درآمدی بر تاریخ قرآن، تهران، نبأ، ۱۳۸۳ش.
- ۶۹- معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۵ق.
- ۷۰- _____؛ لسانی فشارکی، محمدعلی، «اسباب نزول»، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۸، تهران: ۱۳۷۷.
- ۷۱- مقدمتان فی علوم القرآن وهما مقدمة كتاب المبانی فی نظم المعانی و مقدمة ابن عطیه، به کوشش آرتور جفری، مصر: مکتبه الخانجی، ۱۹۵۴ م.
- ۷۲- مهدوی راد، محمدعلی، «سیر نگارش‌های علوم قرآنی»، بیانات، شماره ۲۰، ۱۳۷۷ش.
- ۷۳- _____، آفاق تفسیر: مقالات و مقلاتی در تفسیر پژوهی، تهران، نشر هستی‌نما، ۱۳۸۲ش.
- ۷۴- نقی پورفر، ولی‌الله، «بازنگری در مسائل شب بعثت»، پژوهش دینی، شماره ۲، ۱۳۸۰ش.
- ۷۵- نکونام، جعفر، درآمدی بر تاریخ‌گذاری قرآن، تهران، هستی‌نما، ۱۳۸۰ش.
- ۷۶- _____، پژوهشی در مصحف امام علی (علیه السلام)، رشت، کتاب مبین، ۱۳۸۲ش.
- ۷۷- نولدکه، تئودر، «قرآن‌های موجود پیش از عثمان»، بازنگاری فریدریش شوالی، ترجمه مرتضی کریمی‌نیا، ترجمان وحی، شماره ۱۹، ۱۳۸۵ش.
- ۷۸- _____، «نقد و بررسی روایات جمع قرآن»، بازنگاری: فریدریش شوالی، ترجمه مرتضی کریمی‌نیا، علوم حدیث، شماره ۳۵-۳۶، ۱۳۸۴ش.
- ۷۹- واقدی، محمد، مغازی، ترجمه م، مهدوی دامغانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی ۱۳۶۶ش.
- ۸۰- هیثمی، علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بیروت: دارالکتب العربی، چاپ سوم ۱۴۰۲ق.
- 81- Motzki, Harald. (1998). "The collocation of the Qur'an: a reconsideration of western views in light of recent Methodological developments." Qur'anic studies on the eve of the 21 st century. 10-12 june 1998 Leiden University.